

تاریخ و علل پیدایش تجوید

AQamohammadi@gmail.com

محمدعلی محمدی / استادیار گروه علوم قرآنی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

پذیرش: ۹۷/۲/۱۹

دریافت: ۹۶/۸/۱۱

چکیده

مقاله حاضر به بررسی تاریخ و علل پیدایش تجوید می‌پردازد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که «دانش تجوید از چه زمانی و به چه دلیلی به وجود آمد؟ مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد تاریخی، پس از تعریف «تجوید» به بررسی هفت نظریه درباره تاریخ پیدایش این دانش پرداخته و به این نتیجه دست یافته است که هرچند قواعد اولیه‌ای برای تلفظ صحیح واژگان عربی، که بعدها نام «تجوید» به خود گرفت، در میان عرب‌ها قبل از اسلام وجود داشت، اما تدوین قواعد تجوید و صحیح‌خوانی و علوم ادبی دیگر پس از ظهور اسلام، با راهنمایی حضرت علی (ع) انجام شد. در اواسط قرن سوم، پس از رشد علوم یادشده، اصطلاح تجوید برای دانش «ادای حروف از مخرج و اعطای حق و مستحق آنها» انتخاب شده و به‌مثابه دانشی مستقل در کنار سایر علوم قرار گرفت.

این مقاله در پی آن است که ثابت کند دانش تجوید و به تعبیر دقیق‌تر، «فن تجوید» از علوم تأسیسی اسلام نیست و اختصاصی به قرآن و حتی روایات نیز ندارد. تجوید روش درست سخن گفتن به زبان عربی را به ما می‌آموزد و علت پیدایش آن نیز نیاز عرب‌ها به تکلم صحیح بوده است. از این رو، نظریاتی که تجوید را فراروی تدبر قرار می‌دهد و نظریاتی که برای پیدایش اصل تجوید، زمان خاصی را مشخص می‌کند، هیچ‌یک قرین صحت نیست.

کلیدواژه‌ها: قرآن، قرائت، تجوید، حق حروف، مستحق حروف، آواشناسی، گات، قواعد زبان عربی

مقدمه

یکی از مباحث مهم و کلیدی درباره دانش‌ها و فنون، بررسی تاریخ و علل پیدایش آن است. هر علمی که از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، بررسی تاریخ آن علم نیز اهمیت بیشتری دارد. با توجه به اهمیت قرآن کریم و دانش‌های وابسته به آن، اهمیت توجه به تجوید و بررسی تاریخ و علل پیدایش آن نیز ضروری به نظر می‌رسد. اما انگیزه اصلی پژوهش حاضر از تاریخ و علل پیدایش تجوید آن است که عده‌ای دانش تجوید را در برابر تدبر در قرآن علم کرده و به طرح این گمانه پرداخته‌اند که این دانش وارداتی و از موبدان و هندویان گرفته شده است. با توجه به شبهه فوق، این پرسش مطرح است که پیشینه علم تجوید چیست؟ و علل پیدایش آن چه بوده است؟ آیا این دانش در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام وجود داشته یا در دوره‌های بعد پدید آمده است. بی‌تردید، پاسخ به پرسش‌های فوق در رد شبهه یادشده و نیز در نوع نگاه به تجوید و جایگاه آن در خوانش صحیح قرآن نقش مهمی دارد. با توجه به اهمیت مسئله مزبور، در ادامه، پس از تعریف «تجوید»، مهم‌ترین نظریات درباره زمان و علت پیدایش تجوید ذکر و در پایان، تحلیل مختصری ارائه خواهد شد.

مفهوم‌شناسی

«تجوید» مصدر باب تفعیل و از ماده «جود»، در لغت به معنای نیکی، خوبی و انجام دادن کاری به شکل نیکو آمده است. اعراب می‌گویند: «جاء الشیء، یجود، جوده»؛ یعنی آن چیز نیک شد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۶۹). همچنین گفته می‌شود: «جَوَدَ فُلَانٌ كَذَا»؛ یعنی فلانی آن کار را نیک انجام داد. «وَجَوَدَ الْقِرَاءَةُ»؛ یعنی قرائتش را به خوبی و بدون پستی و زشتی انجام داد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۳۶؛ ابن جزری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۱۰). برای «تجوید» در اصطلاح علوم قرآن، چند تعریف ارائه شده است؛ از جمله ابوعمر و دانسی (۳۷۲-۴۴۴ق)، که از نخستین نویسندگان درباره تجوید است، می‌نویسد: «تجوید قرآن» یعنی: ادای حقوق حرف و حفظ ترتیب و مراتب هریک و تلفظ روان و فصیح حرف از مخرجش بدون افراط و تفریط (دانی، ۱۴۲۱ق، ص ۶۸). یکی از اشکالات تعریف یادشده این است که به یکی از مهم‌ترین بخش‌های تجوید، یعنی «مستحق حروف»، توجه نشده است.

مناسب‌ترین تعریف «تجوید» به وسیله ابن جزری به شکل ذیل ارائه شده است: «تجوید» عبارت است از: اعطای حقوق حروف به آنها و حفظ ترتیب و مراتب آنها و بازگرداندن حرف به مخرج و اصل آن و پیوستن آن به نظیرش و تصحیح لفظ و تلطیف زبان با نظر به صیغه و ساختمان هر کلمه بدون اسراف و تکلف و افراط (ابن جزری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۱۲؛ تهانوی، ۱۹۹۶، ج ۱، ص ۳۸۶).

یکی از نویسندگان معاصر تعریف یادشده را این‌گونه تلخیص کرده است: «تجوید» یعنی: ادای حروف از مخرجش همراه با اعطای حق و مستحق آن حرف (موسوی بلده، ۱۳۶۹، ص ۲۶). مقصود از «حق حروف»، تلفظ حرف از مخرج خودش و توجه به صفات ذاتی حروف، صرف نظر از پیوند آن با دیگر حروف است (حسنی، ۱۴۱۸ق، ص ۵۰)؛ مانند صفت جَهْر، شدت و استعلاء. و مقصود از «مستحق حرف» کیفیت صوتی و آوایی حروف در ترکیب و پیوند آنها با دیگر حروف است و شامل مباحثی همانند ادغام، مدّ، اخفاء و انقلاب می‌شود (جریمی، بی‌تا، ص ۱۳).

هدف پیدایش تجوید

در باب هدف از پیدایش تجوید، دیدگاه‌های گوناگونی مطرح شده که به اختصار در ذیل بررسی می‌گردد:

۱. مقابله با مفاهیم حقیقی قرآن

از سخن برخی از استادان چنین استفاده می‌شود که علم تجوید از دانش‌هایی است که در زمان بنی‌امیه و برای پیش‌گیری از رجوع مردم به مفاهیم قرآن تدوین شد. برای نمونه، آیت‌الله سیدمصطفی خمینی می‌نویسد: «تجوید و اختلاف قرائات، گویا از وسایل تأمین معیشت و از موجبات تقرب یافتن به سلاطین و امرا و راه یافتن به دربار آنان بوده است که مذهب شیعه در این‌گونه امور، هیچ‌گاه دستی نداشته و هیچ‌یک از قاریان از شیعیان اهل‌البیت نبوده‌اند (خمینی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۴۳۰). بررسی: این نظریه فاقد پشتوانه‌های نظری است و هیچ شاهد قابل استنادی برای آن وجود ندارد و داده‌های تاریخی نیز آن را تأیید نمی‌کند. برای نمونه، یکی از قاریان بزرگ، حمزه بن حبیب زبّات کوفی از شیعیان بود (طوسی، ۱۴۱۵ق، ص ۱۹۰).

مقاله «آواشناسی و فونتیک» (۱۳۷۵) و مرادعلی شمس، مؤلف کتاب *پژوهشی پیرامون تاریخ علوم تجوید* (۱۳۸۰) معتقدند: سعی در درست ادا کردن حروف و کلمات، از قدیم‌الایام بین مردم رواج داشته و با فطرت و روح متعالی بشر سازگار بوده و این به یک معنا، همان تجوید است (شمس، ۱۳۸۰، ص ۷۱). پس علم تجوید (آواشناسی زبان عرب) در میان عرب‌زبانان زمان نزول، به وجود نیامده، بلکه اصول این علم سال‌ها قبل از ظهور اسلام و همزمان با پیدایش زبان عربی شکل گرفته است. برای نمونه، وقتی یک فارسی زبان می‌خواست طین (گل) را به یک عرب زبان بگوید، به شکل تین (انجیر) می‌گفت، و شاید همین مشکل بود که دانشمندان را به تدوین علمی وادار ساخت که از آن در فارسی به عنوان «آواشناسی» و در انگلیسی به نام فونتیک phonetic یاد می‌شود. (ملک‌زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۸).

براین اساس، تجوید قبل از آنکه دانشی مربوط به علوم قرآن باشد، دانشی در حوزه ادبیات عرب است و قبل از نزول قرآن وجود داشته و حداکثر در دامن اسلام بالنده شده است. **ملاحظه:** این دیدگاه قابل قبول به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اولاً اعراب قبل از اسلام، از دانش خاصی بهره‌مند نبودند و دانشمند بنامی هم نداشتند که بخواهد برایشان اصول علم تجوید را تبیین کند، مگر اینکه مقصود از «تدوین اصول تجوید»، قواعد بسیار اولیه‌ای باشد که هنگام سخن گفتن، غالب افراد خود را بدان پایبند می‌دانستند. اما نام‌گذاری این دست از قواعد کلی با نام «تجوید» به عنوان یک علم، ثابت نیست. بنابراین، باید بین پیدایش علم تجوید به عنوان دانشی در کنار دیگر دانش‌ها، با نوع سخن گفتن اعراب و حتی رعایت قواعدی که بعدها نام آن «تجوید» نهاده شد، تفاوت قابل شویم. هم اکنون سخن از علم تجوید است، نه نوع سخن گفتن اعراب. در نتیجه، می‌توان گفت: هرچند همزمان با پیدایش زبان عربی، قواعد بسیار اولیه‌ای برای سخن گفتن هم وضع شد، ولی قرن‌ها بعد، این قواعد در دانش‌های گوناگون تدوین و تفکیک شد و به تدریج، علم تجوید پدید آمد؛ اما پدید آمدن تجوید، همزمان با زبان عربی ثابت نیست.

۱. وضع تجوید به وسیله رسول خدا ﷺ

نویسندگان کتاب‌های *الفجر الجدید فی علم التجوید*، *التبیین فی*

البته اگر مقصود از نظریه یادشده این است که نباید قاری قرآن، تمام هم‌خودش را صرف ظواهر کرده، از توجه به مفاهیم و تدبر در قرآن باز ماند، این سخن درست و پسندیده است، و در کلام برخی دیگر از بزرگان نیز به آن اشاره شده است. (ر.ک: موسوی خمینی، ۱۳۷۱، ص ۶۵۷).

۲. اصلاح قرائت قرآن

به نظر بیشتر دانشمندان تجویدی، هدف از پیدایش و تدوین علم تجوید، اصلاح قرائت قرآن و بازسازی زبان از خطای در گفتار است؛ زیرا قرائت اشتباه قرآن موجب تحریف قرآن می‌شود (ابن جزری، ۱۳۷۶، ص ۵۷). یکی دیگر از فواید این دانش و هدف از تدوین آن، زمینه‌سازی برای تدبر در قرآن کریم است؛ زیرا وقتی قرآن با قرائت نیکو خوانده شود، توجه نفس به مفاهیم آن و میل به امتثال اوامر و نواهی الهی افزایش می‌یابد (همان).

آنچه می‌تواند نظریه یادشده را تأیید کند این است که سایر دانش‌های ادبی عربی، همانند صرف و نحو نیز با همین هدف تولید شدند. برای نمونه، درباره تولد دانش نحو، در روایتی می‌خوانیم: حضرت علی رضی الله عنه به *ابوالاسود دوتلی* فرمودند: من در شهر شما لحن و اشتباه در گفتار می‌بینم و تصمیم گرفته‌ام نوشته‌ای در اصول عربیت بنگارم. پس از چند روز حضرت، اصول دانش نحو را در تقسیم کلمه به سه قسم «اسم»، «فعل» و «حرف» تبیین کردند (حموی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۷۷). همچنین گفته می‌شود: آن حضرت کلمه را به «معرفه» و «تکره» تقسیم کرده و گفته‌اند که اعراب چهار گونه و عبارت است از: رفع و نصب و جر و جزم (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۱).

پس اصول صرف و نحو و رعایت قواعدی که بعدها به «تجوید» نام‌بردار شد، دست‌کم از صدر اسلام به شکل جدی بین مسلمانان مطرح بوده است.

زمان پیدایش «تجوید»

درباره زمان تولد دانش تجوید، نظریات متفاوت و گاه متضادی وجود دارد که در ادامه به برخی اشاره می‌شود:

تولد همزمان تجوید و زبان عربی

برخی از کارشناسان، همانند محمدحسین ملک‌زاده، نویسنده

برخی از یاران رسول خدا ﷺ به وجود آمد. برای این نظریه، می‌توان چند دلیل ارائه کرد:

۱. روایات: از جمله، روایاتی که پیامبر اکرم به دیگران دستور می‌دهند، همانند قرائت *ابن مسعود (بن/عبد)* قرآن بخوانند. چنان که فرمودند: «کسی که دوست دارد قرآن را شکوفا و تازه، همان گونه که نازل شده بخواند، باید بر قرائت *ابن/عبد بخواند*» (نسائی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۷؛ احمد بن حنبل، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۷؛ ابن ماجه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۴۹؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۵۹؛ بیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۵۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۱، ص ۲۱۳).

۲. سیره نبوی؛ پیامبر اکرم ﷺ *ابن مسعود، معاذ بن جبل، ابی ابن کعب، و سالم مولی ابی حذیفه* را مشخص کردند و به مردم دستور دادند قرآن را از آنان بیاموزند (نسائی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۱؛ بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۴، ص ۲۱۸؛ ترمذی، ۱۴۰۲ق، ج ۵، ص ۳۳۸). مشخص کردن این عده بدان دلیل بود که اینان قواعد تجویدی را بهتر از دیگران رعایت می‌کردند؛ و گرنه دلیل دیگری برای اختصاص تعلیم قرآن به این چهار تن وجود ندارد. نقد این نظریه و نظریه بعدی خواهد آمد.

۳. پیدایش تجوید در زمان حضرت علی علیه السلام

با توجه به برخی روایات، می‌توان احتمال داد تجوید در زمان حضرت علی علیه السلام علمی شناخته شده و مطرح بوده است. برای نمونه:

۱. از حضرت علی علیه السلام در تفسیر آیه «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً» (مزمّل: ۴) نقل شده است: «التَّرْتِيلُ تَجْوِيدُ الْحُرُوفِ وَمَعْرِفَةُ الْوَقْفِ» (ابن جزری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۹)؛ ترتیل به معنای تجوید حرف‌ها و شناخت وقف‌هاست.

۲. در روایت دیگری از حضرت علی علیه السلام نقل شده است: «التَّرْتِيلُ اِدَاءُ الْحُرُوفِ وَ حِفْظُ الْوَقْفِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۷۱؛ بهائی، ۱۳۹۸ق، ص ۲۱۵؛ ابن جزری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۱۸۸)؛ ترتیل عبارت است از: درست ادا کردن حروف و شناخت مواضع وقف.

۱. دلیل دیگر این نظریه روایاتی است که در برخی منابع متأخر به نقل از صحابی معروف، *عبدالله بن مسعود* چنین آمده است: «جَوِّدُوا الْقُرْآنَ...» (ابن جزری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۱۰؛ سیوطی، ۱۳۹۴ق، ج ۱، ص ۲۸۱).

تجوید القرآن، مدخل الی علم التجوید و برخی دیگر تصریح کرده‌اند که واضع علم تجوید شخص رسول خداست. استدلال ایشان این است که قرآن مجود بر پیامبر نازل شده و پیامبر اکرم ﷺ آن را این گونه از جبرئیل امین تلقی کرده و اصحاب نیز از رسول اعظم این گونه دریافت کرده‌اند (سعودی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۲؛ زراری، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۲۱۰؛ خیاطه، ۱۴۰۹ق، ص ۷۹). نظریه یادشده را از سخنان *ابن جزری* نیز می‌توان استخراج کرد؛ زیرا وی معتقد است: مسلمانان همان گونه که در فهم قرآن و برپایی حدود آن تعبد دارند، بر تصحیح الفاظ و درست خواندن آن نیز تعبد دارند. قرائت قرآن سینه به سینه از طریق قاریان از رسول اکرم ﷺ به ما رسیده و عدول از آن جایز نیست (ابن جزری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۱۰). مجیدی نیز بر این باور است که پس از نزول وحی، پیامبر اکرم ﷺ قرآن را همان گونه که جبرئیل مجود بر او نازل کرده بود، ایشان نیز با تجوید می‌خواند (مجیدی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۱۵).

ملاحظه: گویا به نظر می‌رسد در نظریه مزبور، ترتیل و تجوید یکسان فرض شده؛ زیرا آنچه ما براساس آیه شریفه، *بدان مأموریم، قرائت قرآن با ترتیل است، نه قرائت با تجوید: «و رتل القرآن ترتیلاً»* (مزمّل: ۴). پیامبر اکرم ﷺ نیز مأمور بودند قرآن را با ترتیل بخوانند، اما اینکه آن حضرت قرآن را با تجوید - به معنای اصطلاحی آن - می‌خواند، قابل اثبات نیست.

چگونه می‌توان مدعی بود که پیامبر قرآن را با تجوید می‌خوانده، درحالی که در بسیاری از مباحث تجوید و حتی جواز یا عدم جواز آن، مباحث فراوانی وجود دارد، و برخی از دانشمندان همانند آیت‌الله محمد حمود *عاملی* بر حرمت آن فتوا داده‌اند (محمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۴).

۱. پیدایش تجوید در زمان پیامبر ﷺ و به وسیله یاران آن حضرت

با توجه به برخی از روایات نبوی، می‌توان احتمال داد تاریخچه علم تجوید به زمان رسول اکرم ﷺ بازمی‌گردد؛ یعنی قبل از ظهور پیامبر اکرم، هر چند اعراب همانند دیگر ملل، از کلمات و جملات برای تفهیم و تفهم استفاده می‌کردند ولی هنوز دانشی با عنوان دانش «تجوید» اختراع نشده بود؛ ولی با ظهور اسلام و در پی راهنمایی‌های شخص پیامبر دانش تجوید با همکاری

۴. **تدوین تجوید به وسیله ایرانیان مسلمان در زمان حجاج** برابر این نظریه، از چندین قرن پیش از میلاد در ایران و هند، دعاها و سرودهای مذهبی را با زمزمه یا علاقه‌مندی بسیار می‌خواندند؛ زیرا عقیده داشتند که اگر سخن‌های مقدس با تلفظ صحیح قدیمی و زیبایی خود ادا نشود تأثیری ندارد و این عقیده و عادات به همان روش دیرینه خود در کنار بتکده‌ها و صحن مسجدها معمول بود. ایرانیان قبل از اسلام علاوه بر دانش ادای صحیح کلمات، حروف مخصوصی برای ضبط زمزمه یا قرائت کتب مذهبی داشتند، و اولین علمی که به تقلید عادات مذهبی قدیم به عربی ترجمه شده، علم تجوید است (طالقانی، ۱۳۵۰، ج ۳، ص ۳). پس دانش تجوید دانشی وارداتی است، و شاهدی که بر آن اقامه می‌شود این است که کلمه «جاد» (ریشه تجوید) معرب «گات» است؛ یعنی خواندن با آهنگ.

گویا علت روی‌آوری مسلمانان به این دانش چنین بوده است که در زمان حجاج بن یوسف (۴۰-۹۵ق)، در عراق اختلافات خونینی بین مسلمانان در قرائت آیات قرآنی پیدا شد. برای جلوگیری از اختلافات، حجاج از کاتبان ایرانی خود استمداد جست و مسلمانان با سوابقی که از کتاب‌های دینی باستانی داشتند، در تقسیم و تنظیم آهنگین آیات و نقل و تعریب اصطلاحات، خدمت شایانی انجام دادند (همان).

بررسی: این نظریه نیز دارای اشکالات متعددی است؛ از جمله:

۱. ریشه تجوید «جاد» نبوده، بلکه «جود» است.
۲. صرف اینکه قرآن و سرود مذهبی هر دو خواندنی هستند، موجب نمی‌شود تجوید ریشه در «گات» داشته باشد.
۳. کسی نمی‌تواند منکر این مطلب شود که اعراب سال‌ها قبل از زمان رسول خدا ﷺ، به سرودن شعر مشهور بودند و بدون شک، این اشعار را با حالتی خاص قرائت می‌کردند؛ زیرا خواندن اشعار حماسی با اشعار عاشقانه تفاوت دارد؛ چنان‌که آوازه‌خوانان زن نیز در عربستان فراوان و مشهور بودند. پس موزون خواندن اشعار، قبل از اسلام در بین اعراب، مرسوم بود.
۴. اختلاف در قرائت نیز ریشه در صدر اسلام دارد و در همان زمان، قواعدی برای رفع این اختلافات تدوین شد. تدوین قواعد اولیه صرف و نحو، که طبق نقل مشهور، به‌وسیله ابوالاسود دؤلی انجام شد، نمونه‌ای از این دست است.

با توجه به اینکه حضرت علی علیه السلام در سال چهلیم به شهادت رسیده‌اند و ابن‌مسعود نیز در سال ۳۲ق از دنیا رفته، در صورت پذیرش دو روایات فوق، دست‌کم می‌توان گفت: به‌کارگیری واژه «تجوید» به معنای اصطلاحی آن درباره قرآن کریم، به نیمه اول قرن اول هجری بازمی‌گردد.

ملاحظه: نظریه یادشده نیز دارای اشکالاتی است که نمی‌توان آن را پذیرفت؛ از جمله:

۱. از دو روایت یادشده از حضرت علی علیه السلام روایتی که «ترتیل» را همان «تجوید حروف» می‌داند، در منابع معتبر نیامده و مهم‌ترین منبع آن نقل ابن‌جزری است و اصولاً در بررسی روایات *بحارالانوار*، به عنوان جامع‌ترین کتاب حدیثی شیعه، کلمه «تجوید» در هیچ روایتی مشاهده نشد. از این‌رو، با توجه به روایت دوم، به نظر می‌رسد، روایت اول تصحیفی از ناحیه کاتبان باشد.

۲. روایت ابن‌مسعود نیز در منابع قدیمی، به جای کلمه «جودوا»، «جردوا» آمده است (ابن ابی‌شیبیه، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۸۱؛ ابوعبید، ۱۳۸۴ق، ج ۴، ص ۴۶؛ ابن ابی‌داود، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲۰). از این‌رو، به نظر می‌رسد روایت مذکور به احتمال زیاد، در مصادر متأخر تصحیف شده است؛ زیرا متن آن به وسیله اسنادی که به اسانید مصادر قدیمی متصل است، نقل شده و متن، در یک حرف اختلاف دارد. (قدوری حمد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹).

۱. شاهد دیگری بر اینکه اصطلاح تجوید در زمان نبوی و علوی به معنای امروزی آن کاربرد نداشته، این است که در قرآن کریم از ماده «ج و د» چیزی که در وصف قرائت باشد، نیامده است. در بررسی *المعجم المفهرس لالفاظ الاحادیث النبوی* - که بر ۹ کتاب حدیث در آن اعتماد شده - چیزی از آن ماده (در آن معنا) به چشم نمی‌خورد (همان).

۱. صرف‌نظر از ضعف سندی روایات و اینکه در نسخه‌های دیگری که از روایات وجود دارد، هیچ اشاره‌ای به تجوید نشده، حداکثر آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که تأنی و آرام خواندن قرآن مستحب است و نباید همت مؤمن آن باشد که هرچه سریع‌تر قرآن را ختم کند، بلکه باید در آیات آن دقت کند، آن را به خوبی بفهمد و پس از فهم آیاتی که آموخته است به سراغ آیات بعدی برود، و یکی از راه‌های دقت در آیات و فهم آنها، تأنی و آرام خواندن آنهاست و این به پیدایش تجوید مصطلح ربطی ندارد.

دوم، برخی از مباحث تجوید، بسته و گریخته در دانش‌هایی همانند تفسیر، قرائات، صرف، نحو و مانند آن مطرح می‌شد بی‌آنکه تجوید به عنوان یک دانش مستقل مطرح باشد.

ثانیاً، ارتباط دانش تجوید با دانش‌هایی مانند اصوات و آواهای عربی، صرف و نحو و مانند آن کم نیست و صرف ارتباط یک دانش با دانشی دیگر موجب زایش یکی از دیگری نمی‌شود.

۵. تولد تجوید در قرن چهارم

بیشتر کارشناسان معتقدند: قدیمی‌ترین متنی که در آن کلمه «تجوید» در معنایی نزدیک به معنای اصطلاحی آن آمده، قول *ابن مجاهد* (ت ۳۲۴ ق)، مؤلف کتاب *السبعة فی القراءات* است. *ابن مجاهد* معتقد بود که لحن و خطا در قرآن دو گونه است: جلی و خفی. «لحن جلی»، لحن در اعراب و «لحن خفی»، ترک اعطای حق حروف، یعنی تجوید است (دانی، ۱۴۲۱ ق، ص ۲۲). *ابن جزیری* و دیگران، *ابومزاحم موسی بن عبیدالله بن یحیی خاقانی بغدادی* (م ۳۲۵ ق) را اولین کسی می‌دانند که در موضوع تجوید قصیده مستقلاً نوشته است (*ابن جزیری*، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۳۲۱). اما *ابومزاحم* در آن، واژه تجوید را به کار نبرده و هیچ واژه‌ای که از جهت ریشه با آن مشترک باشد نیز در آن نیاورده، بلکه به جای آن، کلمه «خُسن» و مشتقات آن را آورده است (قدوری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۰). عدم به‌کارگیری کلمه تجوید در قصیده *ابومزاحم* بدین معناست که این اصطلاح - باوجود ظهورش - در آن زمان، هنوز مشهور و رایج نشده بود، ولی معاصر وی *ابن مجاهد*، این واژه را به کار برده است، و به تدریج، کاربرد این اصطلاح برای علم تجوید گسترش یافت.

ممکن است گفته شود: شاید علم تجوید در یک دوران رواج داشته باشد، اما عنوان آن، چیز دیگری بوده‌است. در پاسخ می‌توان گفت: ادعای یادشده نیازمند اثبات است و با صرف احتمال، نمی‌توان آن را پذیرفت. اینکه مباحث علم تجوید در دانش‌هایی همانند قرائات و مانند آن وجود داشته است، ثابت نمی‌کند که علم تجوید در آن زمان نضج گرفته باشد. حداکثر می‌توان گفت: مباحث تجوید در چند دانش، از جمله در صرف و نحو، قرائت، بدیع و مانند آن بحث می‌شده است.

ملاحظه: نظریه یادشده حداکثر می‌تواند ثابت کند که استفاده از واژه «تجوید» برای دانش تجوید در قرن چهارم گسترش یافت و همگانی شد،

۵. برای رفع اختلاف قرائت، باید قواعد قرائت تدوین می‌شد، نه قواعد قرائت آهنگین و موسیقایی.

۶. پیدایش تجوید در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم بوده است. برخی معتقدند: علم تجوید از علم قرائت منشعب شده است (ستوده‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۲۶۷). برابر این نظریه، پیدایش دانش تجوید را باید پس از تأسیس دانش قرائات، به‌ویژه در زمان عنایت به قرائات سبعة و عشره و مانند آن دانست و هر زمان دانش قرائات - به معنای مصطلح - پایه‌گذاری شده باشد، دانش تجوید نیز با فاصله اندکی به وجود آمده است.

از سوی دیگر، گفته شده است: اولین کسی که در علم قرائات کتاب نوشت، *ابن بن تغلب*، از فقهای بزرگ و اصحاب امام سجاد^ع و صادقین^ع است (امین، ۱۴۲۱ ق، ج ۲، ص ۹۷) و نگارش کتاب در زمینه دانش قرائات نیز از اواخر قرن اول هجری آغاز شده است (قدوری، ۱۴۲۲ ق، ص ۱۴). بنابراین، تاریخ تولد دانش تجوید را باید در اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم دانست.

همچنین بخش قابل توجهی از مباحث اختلاف قرائات مانند تریقی و تفخیم راء و لام، انواع مد، غنه واو و یاء مشدد و سکت با مباحث تجویدی مشترک است و این اشتراک محتوایی می‌تواند مؤید نظریه فوق باشد.

هرچند این نظریه به ظاهر از نظریات پیش گفته شده مناسب‌تر و به حقیقت نزدیک‌تر می‌نماید، ولی باید دانست که درست خواندن واژگان و جملات عربی به مدت‌ها قبل از اسلام بازمی‌گردد و همچنین ارتباط بین قرائات چندگانه و تجوید - به معنای اصطلاحی آن - در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم به حدی نبود که از دامن دانش قرائت، دانش تجوید به وجود آید؛ زیرا:

اولاً، دانش تجوید قبل از آنکه به قرائت‌های مختلف و صحت و سقم آن پردازد، به صحیح‌خوانی قرائت قرآن و رعایت قواعد و قوانین قرائت، به‌ویژه قرائت *حُص* / *عاصم* می‌پردازد. این بدان معنا نیست که بین قرائات و تجوید هیچ ارتباطی وجود ندارد، ولی نمی‌توان به صورت مسلم پذیرفت که دانش تجوید از دامن دانش قرائات به معنای مذکور، آن هم در اواخر قرن اول یا اوایل قرن دوم روییده باشد. وانگهی، اکنون سخن از زمان پیدایش تجوید به عنوان علمی مستقل و در کنار دیگر دانش‌های قرآنی است، نه موضوعات مسائل و مباحث تجوید. در اواخر قرن اول و اوایل قرن

به‌شمار می‌آید (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۵۴)، واژه تجوید یا واژه‌ای که از جهت ریشه با آن مشترک باشد، وجود ندارد. واژه «تجوید» در معنای یادشده اولین بار در سخن ابن‌مجاهد (ت ۳۲۴ ق) مؤلف کتاب *السبعة فی القراءات* به چشم می‌خورد. پس از ابن‌مجاهد، ابوالحسن علی‌بن جعفر سعیدی (م حدود ۴۱۰ ق) نیز اصطلاح تجوید را به کار برده است (قدوری، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹). از آن پس، این اصطلاح برای دانش تجوید مشهور شد.

قبل از این، مباحث تجوید گاه در ضمن مباحث علم قرائات بیان می‌شد. گاهی نیز بخشی از مباحث علم تجوید، در کتاب‌های لغت ارائه می‌شد؛ چنان‌که ادیب و دانشمند بزرگ شیعی، خلیل‌بن احمد فراهیدی در کتاب *العین*، برخی از مباحث تجوید، از جمله باب مخارج و صفات حروف را مطرح کرده است. پس از وی، شاگرد او سیبویه (م ۱۷۷ یا ۱۸۰ ق) همان مباحث را با اندکی شرح و توضیح در اثر مشهور خود *الکتاب* فراهم آورده است (سیبویه، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۴۲).

در قرن سوم هجری نیز مسائل تجویدی آمیخته با علم قرائات در آثار نویسندگان این قرن به چشم می‌خورد. از شاخص‌ترین نویسندگان این دوره، می‌توان *ابوعبیده قاسم‌بن سلّام* (م ۲۲۴ق) را نام برد. از جمله آثار وی، کتاب‌های *المقصود* و *الممدود* و *القرائات* است (ابوعبیده، ۱۳۸۴، ج ۷، ص ۲۶۸). ولی از قرن چهارم به بعد علم تجوید، به عنوان دانشی مستقل متولد شد.

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت:

۱. ریشه‌های علم تجوید و برخی از مباحث اولیه آن قبل از اسلام در زبان عربی هم وجود داشت.
۲. پیدایش تجوید، به سرودهای آهنگین، که در ادیان ایران باستان خوانده می‌شد، ربطی ندارد.
۳. این نظریه که تجوید برای پیش‌گیری از رجوع مردم به مفاهیم قرآن تدوین شده نیز فاقد پشتوانه نظری و تاریخی است.
۴. تاریخ‌هایی که برخی دانشوران برای پیدایش علم تجوید مشخص کرده‌اند، دارای دلایل قانع‌کننده نیست.
۵. این دانش همانند بسیاری دیگر از علوم، پس از اسلام، به تدریج، رشد کرده است و در سال سوم هجری، این دانش از دیگر علوم ادبی جدا و مستقل شده است.

ولی نمی‌تواند ثابت کند که مباحث این علم در سال‌های قبل محل توجه نبوده و از آن استفاده نمی‌شده است. به عبارت دیگر، چه‌بسا مباحث علم تجوید در قرن‌ها قبل وجود داشته و در مدارس و مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شده است، ولی استفاده از واژه «تجوید» در آن زمان، معمول نبوده، ولی در سال‌های بعد، این واژه معمول و شایع شده است.

۶. نظریه مختار

از مباحث پیشین به دست می‌آید که اختلافات یادشده بدان علت است که بین «زمان رعایت قواعد تجویدی در بین اعراب» با «زمان انتخاب اصطلاح تجوید برای این دانش» تفکیک نشده است.

نزدیک‌تر به صواب آن است که بگوییم: زبان عربی نیز همانند دیگر زبان‌هاست که در طول تاریخ، مسیر کمال خود از بدوی تا پیشرفته را پیموده است. پیش از ظهور اسلام و تا زمانی که اعراب اصیل به زبان مادری خود سخن می‌گفتند، نیاز چندانی به تدوین قواعد نبود؛ در این بین، اگر عجمی وارد سرزمین اعراب می‌شد و «تین» و «طین» را یکسان تلفظ می‌کرد، اعراب اصیل او را متوجه اشتباهش می‌کردند. پس از ظهور اسلام و گسترش سرزمین‌های اسلامی و اسلام آوردن عده زیادی از غیر عرب‌ها و روی‌آوری آنان به قرآن کریم، دامنه اشتباهات نیز گسترده شد و افراد زیادی قرآن کریم را غلط می‌خواندند. این مسئله موجب شد حضرت علی علیه السلام و دیگر یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله به فکر راه چاره بیفتند و به تدریج، قواعد صرفی و نحوی و سپس تجویدی اختراع شد. روایت نقل‌شده از *ابوالاسود دؤلی* مبنی بر ناراحتی حضرت علی علیه السلام از وجود اشتباهات گفتاری در سخن مردم و تدوین اصولی که پایه دانش نحو قرار گرفت (حموی، ۱۴۱۱ق، ج ۴، ص ۱۷۷؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۱) می‌تواند شاهی بر مدعای فوق باشد.

البته اصطلاح «تجوید» در زمان نبوی و علوی و دیگر ائمه معصوم علیهم السلام به معنای امروزی آن استعمال نمی‌شده؛ چنان‌که در قرآن کریم و روایات نبوی از ماده «ج و د» چیزی که در وصف قرائت باشد، نیامده است (قدوری، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹). در بررسی *بحارالانوار* و چند کتاب حدیثی دیگر نیز این اصطلاح مشاهده نشد. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که کلمه تجوید در عصر نبوی و عصر حضور معصومان علیهم السلام و تا اواسط قرن سوم، به معنایی که بعدها دلالت یافت، مستعمل نبوده است.

در قصیده خاقانیه هم، که نخستین اثر مستقل در علم تجوید

منابع

- خمینی، سیدمصطفی، ۱۴۱۸ق، *تفسیر القرآن الکریم*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- خیاطه، عبداللطیف، ۱۴۰۹ق، *التبیان فی تجوید القرآن*، کویت، دارالتراث.
- دانی، عثمان بن سعید، ۱۴۲۱ق، *التحذیر فی الاتقان والتجوید*، به کوشش غانم قنّوری، اردن، دارعمار.
- زراری، عبدالودود، ۱۹۸۵م، *مدخل الی علم التجوید*، اردن، دارالعربیه.
- ستوده‌نیا، محمدرضا، ۱۳۸۶، «تجوید»، در: *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- سعودی، احمد شربین، ۱۴۱۰ق، *الفجر الجدید فی علم التجوید*، قاهره، دارالمنار.
- سیویه، عمرو بن عثمان، ۱۴۱۰ق، *الکتاب*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- شمس، مرادعلی، ۱۳۸۰، *پژوهشی پیرامون تاریخ علم تجوید*، تهران، قدیانی.
- طالقانی، محمود، ۱۳۵۰، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طوسی، محمدین حسن، ۱۴۱۵ق، *رجال*، قم، جامعه مدرسین.
- غلامی، مجید، ۱۳۸۱، «نقدی بر تجوید در ترازوی نقد»، *گلستان قرآن*، ش ۱۳۹، ص ۳۸-۳۶.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *کتاب العین*، به کوشش مهدی مخزومی و دیگران، قم، دارالهجره.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۰۲ق، *تفسیر الصافی*، بیروت، اعلمی.
- قدوری حمد، غانم، ۱۳۸۰، «پیدایش علم تجوید و کتابشناسی آن»، ترجمه حسین علیقتیان، *بیانات*، ش ۳۰، ص ۱۵۸-۱۷۷.
- قدوری حمد، ۱۴۲۲ق، *ابحاث فی علم التجوید*، عمان، دار عمار للنشر و التوزیع.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مجیدی، عبدالسلام، ۱۴۲۱ق، *مقبل، تلقی النبی (ص) لالفاظ القرآن الکریم*، مقدمه عبدالمجید الزندانی، بیروت، مؤسسه الرساله للطباعه و النشر.
- محمدی، محمدعلی، ۱۳۹۴، «تجوید؛ از وجوب تا حرمت (رعایت قواعد تجویدی از دیدگاه فقیهان شیعه و اهل سنت)»، *پژوهش‌های قرآنی*، سال بیستم، ش ۷۵، ص ۹۸-۱۲۷.
- ملکزاده، محمدحسین، ۱۳۷۵، «تجوید؛ آواشناسی و فونتیک»، *صحیفه مبین*، ش ۸، ص ۱۸-۲۱.
- موسوی بلده، محسن، ۱۳۶۹، *حلیة القرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۷۱، *شرح چهل حدیث*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
- نسائی، احمدین شعیب، ۱۴۰۵ق، *فضائل الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی الحدید معتزلی، عزالدین بن هبة الله، ۱۴۱۸ق، *شرح نهج البلاغه*، تحقیق محمدعبدالکریم النمری، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن ابی داود، ابوبکر بن، ۴۲۳ق، *کتاب المصاحف*، تحقیق محمدبن عبده، قاهره، الفاروق الحدیثه.
- ابن ابی شیبیه، عبدالله بن محمد، ۴۰۹ق، *المصنف فی الأحادیث والآثار*، تحقیق کمال یوسف الحوت، ریاض، مکتبه الرشد.
- ابن جزری، محمدین محمد، ۳۶۱، *غایة النهایة فی طبقات القراء*، تهران، دارالکتب العلمیه.
- ، ۱۳۷۶، *التشریح فی القراءات العشر*، تصحیح علی محمد الضباع، قاهره، دارالفکر.
- ابن ماجه، محمدبن یزید قزوینی، ۳۹۵ق، *سنن ابن ماجه*، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمدین مکرم، ۴۰۵ق، *لسان العرب*، قم، ادب الحوزه.
- ابوعبید، قاسم بن سلام هروی، ۳۸۴ق، *غریب الحدیث*، محمد عبدالعید خان، حیدرآباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- امین، محسن، ۱۴۲۱ق، *اعیان الشیعه*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
- بخاری، اسماعیل بن محمد، ۴۰۱ق، *صحیح البخاری*، بیروت، دارالفکر.
- بهایی (شیخ بهایی)، محمدبن حسین بن عبدالصمد، ۳۹۸ق، *الحبل المتین*، قم، مکتبه بصیرتی.
- بیهقی، احمدین حسین، ۴۱۴ق، *السنن الکبری*، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، مکه مکرمه، مکتبه دار الباز.
- ترمذی، محمدبن عیسی، ۴۰۲ق، *سنن الترمذی*، به کوشش عبدالوهاب، بیروت، دارالفکر.
- تهانوی، محمدعلی، ۱۹۹۶م، *موسوعه کشف اصطلاحات الفنون والعلوم*، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون.
- جریسی، محمد مکی نصر، بی تا، *نهایة القول المفید فی علم التجوید*؛ قاهره، مکتبه التوفیقیه.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله، ۴۱۳ق، *کشف الظنون*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حاکم نیشابوری، محمدبن عبدالله، ۴۱۱ق، *المستدرک علی الصحیحین*، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حسنی، شیخ عثمان، ۴۱۸ق، *حق التلاوه*، چ دوازدهم، جده، دارالمناره للنشر و التوزیع.
- حموی، یاقوت بن عبدالله رومی، ۴۱۱ق، *معجم الأدباء او ارشاد الاریب الی معرفه الأدیب*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- حنبل، احمدین، ۴۱۹ق، *سند احمد*، بیروت، عالم الکتب.